

امروزه اعتبار سازمان‌ها اهمیت خاصی دارد و کسب منافع مالی و سرمایه در گرو اعتبار آنها می‌باشد. چه بسا مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی بتواند جلوی ضرر و زیان‌های اعتباری شود و یا بالعکس با عدم رعایت اصول ایمنی و بهداشت کارکنان و محیط زیست خدشه بزرگی به اعتبار شرکت وارد گردد. همچنین با پیاده‌سازی سیستم HSE می‌توان بهداشت و ایمنی پرسنل را حفظ نمود. نیروی انسانی‌ای که مهم‌ترین سرمایه‌ی سازمان‌ها است و مولد تولید و توسعه اقتصادی می‌باشد و لذا ارزش آن را دارد که کارفرمایان برای آن‌ها سرمایه‌گذاری نمایند. سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها نیز به موضوع ایمنی و بهداشت شغلی و زیست محیطی نگاه ویژه‌ای داشته‌اند و در این خصوص قوانین و مقرراتی تنظیم نموده‌اند. به عنوان نمونه سازمان بین‌المللی کار (ILO) شعار سال ۲۰۱۸ میلادی را "ایجاد محیط‌های کاری سالم و ایمن برای کارگران جوان و نسل آینده" نام نهاد. در ماده ۸۵ قانون کار ایران نیز آمده: "برای صیانت نیروی انسانی و منابع مادی کشور رعایت دستورالعمل‌هایی که از طریق شورای عالی حفاظت فنی (جهت تامین حفاظت فنی) و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (جهت جلوگیری از بیماری‌های حرفه‌ای و تامین بهداشت کار و کارگر و محیط کار) تدوین می‌شود، برای کلیه کارگاه‌ها، کارفرمایان، کارگران و کارآموزان الزامی است." همچنین در ماده ۹۵ قانون کار آمده: "هر گاه بر اثر عدم رعایت مقررات مذکور از سوی کارفرما یا مسئولین واحد، حادثه‌ای رخ دهد، شخص کارفرما یا مسئول مذکور از نظر کیفری و حقوقی و نیز مجازات‌های مندرج در این قانون مسئول است."

متأسفانه علیرغم وجود قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی و ضرورت توجه به HSE، صنایع کوچک در ایران آن‌طور که باید و شاید به این موضوع توجه نمی‌نمایند و بعضاً با بهانه‌هایی از جمله مسائل اقتصادی، کمبود وقت، نبود امکانات و... از زیر آن‌شان خالی می‌کنند! طبق اظهارات مقامات رسمی در هر ۱۵ ثانیه یک نفر در اثر حوادث و بیماری‌های ناشی از کار جان خود را از دست می‌دهد و مقصر ۷۰ درصد حوادث کار اصفهان، کارفرما و بزرگ‌ترین دلیل آن، عدم نظارت کارفرما بر کارگاه یا واحد تولیدی است. ۶۰ هزار میلیارد تومان نیز خسارت سالانه حوادث کار در ایران می‌باشد.

براستی علل واقعی که صنایع کوچک کمتر رغبت می‌نمایند نسبت به اصول HSE اهتمام ورزند، چیست؟! آیا واقعاً مانع اصلی مشکلات اقتصادی و محدودیت‌های زمانی است یا خیر؟! اگر واقعاً مشکلات اقتصادی و محدودیت‌های زمانی مطرح است، پس برآستی چرا در طرح‌های HSE رایجی که برای صنایع کوچک در محل آنان تعریف می‌شود و از طرق مختلف اطلاع‌رسانی می‌گردد، میزان استقبال حداقل می‌باشد! اولین گام برای استقرار H.S.E، اعتقاد مدیریت به ایمنی و بهداشت شغلی و حفظ محیط زیست است. تا زمانی که مدیران ارشد به اصول HSE اعتقادی نداشته باشند، قطعاً شعار اول ایمنی بعد کار به عبارت اول کار بعد ایمنی تبدیل خواهد شد و این بدان معناست که تولید در هر شرایطی بایستی انجام شود، حتی اگر جان کارگران در خطر باشد! متأسفانه برخی از کارفرمایان بر این باورند که به دلیل اینکه تاکنون حادثه شغلی نداشته‌اند، لذا ملزم به رعایت اصول ایمنی نمی‌باشند! حال آنکه این ساده‌لوحی است و حادثه هیچگاه خبر نمی‌کند و آنچه که در ۲۰ سال رخ نداده، می‌تواند در ۲۰ ثانیه بوقوع پیوندد. برخی دیگر از کارفرمایان بر این باورند که با وجود بیمه مسئولیت، دیگر ملزم به رعایت اصول HSE نیستند! حال آنکه موسسات بیمه در بیمه‌های مسئولیت عنوان می‌کنند که بیمه‌گزار موظف است حسب مورد مقررات مصوب شورای عالی حفاظت فنی را رعایت نماید و تعهدات بیمه‌گر منحصر به مسئولیت بیمه‌گزار برای حوادثی است که در مدت اعتبار بیمه‌نامه رخ دهد و ادعای خسارت حداکثر ظرف دو سال پس از انقضای بیمه‌نامه به بیمه‌گر اعلام شود و باتوجه به استفساریه شورای نگهبان امور مالی مشمول مرور زمان نمی‌شود، کارکنان یک شرکت می‌توانند بعد از بازنشستگی در خصوص حوادث ناشی از کار پیش آمده در زمان اشتغال از کارفرمایان اقامه دعوی نمایند. همچنین خسارات ناشی از هرگونه بیماری از شمول بیمه‌نامه خارج می‌باشد.

یک تئوری وجود دارد به نام تئوری پنجره شکسته. تئوری پنجره شکسته محصول فکری دو جرم‌شناس آمریکایی به نام‌های جیمز ویلسون و جورج کلینگ بود. این دو کارشناس استدلال کردند که جرم نتیجه یک نابسامانی است. به عنوان مثال، اگر پنجره‌ای شکسته باشد و مرمت نشود آنکس که تمایل به شکستن قانون و هنجارهای اجتماعی را دارد با مشاهده بی‌تفاوتی جامعه به این امر دست به شکستن شیشه دیگری خواهد زد. دیری نمی‌پایید که شیشه‌های بیشتری شکسته می‌شود و این احساس آناشستی گسترش یافته و با خود پیام‌هایی را به همراه خواهد داشت. به عبارتی این پیام را می‌دهد که هر کاری را که بخواهید مجازید انجام دهید بدون آنکه کسی مزاحم شما شود. لذا مسئولیت اجتماعی فعالان حوزه HSE ایجاب می‌کند که در این زمینه اقداماتی اثربخش‌تر نمایند. بایستی تمام افراد از مدیران ارشد تا سطوح پایین سازمان در قبال مسائل ایمنی و بهداشت حساس باشند. باید ذهنیت اشتباه کارفرمایان در خصوص بیمه‌های مسئولیت اصلاح شود. راهکارهایی از جمله بازرسی‌های منظم ادارات کار از کلیه واحدهای صنعتی، برگزاری بیشتر سمینارها، همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی HSE برای کارفرمایان و کارگران و انتقال اطلاعات و دانش‌های لازم به آنان، انجام فعالیت‌های بیشتر سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های مرتبط با HSE، ایجاد مشوق‌های بیشتر برای صنایع کوچک در راستای رعایت اصول HSE، ملزم نمودن کلیه واحدهای صنعتی به جذب مسئول ایمنی می‌تواند به ارتقاء فرهنگ ایمنی و بهداشت شغلی در صنایع کوچک کمک نماید.

به امید روزی که HSE نقش و جایگاه واقعی خود را در سازمانها پیدا کند.